



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان نشانی: میدان فاطمی خیابان فلسطین، کوچه پوران غفاری، پلاک ۲۶ تلفن: ۸۸۹۸۶۸۹-۳۷-۳۷ شماره: ۸۸۹۸۶۸۸-۸۸۹۸۶۸۲۰-۲۲-۲۲ تلفن اگهی‌ها: ۸۸۹۸۶۸۲۰-۲۲-۲۲ مشترکین: ۸۸۸۱۴۳۳ توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۱۸۳۱۳۰ چاپ: گل‌ریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۲۲ www.sharhdaily.ir

تهران : اذان ظهر ۱۳:۱۲ اذان مغرب ۱۷:۳۲ اذان صبح فردا ۵:۴۵ طلوع آفتاب ۷:۱۴

شرق

روزنامه

یکشنبه ۲۴ دی ۱۳۹۱ ۱ ربیع‌الاول ۱۴۳۴ ۱۳ ژانویه ۲۰۱۳ سال دهم شماره ۱۶۴۶ ۱۶صفحه

راوی‌به دید

چرا «حریم سلطان» نه؟



✦ **علیرضا بهرامی**
✦ دبیر نخستین دوره جشنواره میراث وطنی

● یکی از بازیگران سرشناس سینما و تلویزیون ایران که سریالی را روی آنتن دارد، اخیراً گفته است: «اگر سریال ما ۱۰۰ قسمت بود، می‌توانستیم تمام کاتال‌های ماهواره را شکست بدهیم. اگر این فرصت وجود داشت می‌توانستیم تمام کاتال‌های ماهواره‌ای را تعطیل کنیم؛ «حریم سلطان» فقط یکی از کارهایی بود که ما بر آن غلبه کردیم». این حرف یا از روی کم‌اطلاعی می‌تواند باشد، یا آن را باید در حکم یک جفا به هنر این مملکت تفسیر کرد.
این یک واقعیت است که سریال ترکیه‌ای «حریم سلطان» از طریق یکی از شبکه‌های ماهواره‌ای خارج از کشور، تا همین چند هفته پیش تقریباً شده بود یکی از پرمخاطب‌ترین مجموعه‌های تلویزیونی روز که بینندگان ایرانی آن را تعقیب می‌کردند. بحث این واقعیت و رسانه‌ها هم رفته‌رفته پا گرفته بود؛ تا زمانی که در نهایت با دستگیری تعدادی از دوبلورهای زیرزمینی و حتی انجمنی، عملاً پخش آن تا اطلاع ثانوی متوقف شد. اما در همان زمان پخش، بحثی در اینترنت در گرفته بود که اپه‌اناسی چه غافلانه نشسته‌اید پای گیرنده‌های تلویزیونی خود که در واقع شخصیت‌هایی که از طریق این سریال، محبوب شما شده‌اند، متجاوزان به این خاک و میهن بوده‌اند و از دشمنان سرسخت ایرانیان. این مطلب که در قالب ای‌میل‌های انبوه دست به دست می‌شد، بر بیراهه نمی‌گفت؛ درواقع کاراکتر اصلی این مجموعه جنجالی تلویزیونی «سلطان سلیمان»، فرزند «سلطان سلیم» و سلطان سلیم عثمانی هم‌اوست که در سال ۸۹۳ خورشیدی (۱۵۱۴ میلادی) به خاک ایران تجاوز کرد، تبریز را به تصرف درآورد، بخش‌هایی از ترکیه، عراق و سوریه امروزی را از حاکمیت ایران جدا کرد و در این مسیر، در جنگ معروف «چالدران»، با سپاه ۱۰۰هزار نفری مجهز به سلاح گرم، سپاه ۴۰هزارنفری ایران را رز قتل‌عام کرد و در شهر هم پیر و جوان و ناموس مردم را زیر تیغ گرفت. اما پراوضاع است که یک ویژگی جنگ‌هایی که لقب حماسه به خود می‌گیرند، در این است که اولاً معمولاً در خلق حماسه، سپاه مغلوب از فراوانی و تمکن کمتری برخوردار است اما با این حال به ظاهر شکست را متحمل می‌شود و درواقع باوجود شکست عینی، چنان قصه و رشادت و دلآواری از خود بر جای می‌گذارد که در تاریخ نزدیک و دور، سینه به سینه و دهان به دهان می‌گردد و بالاخره تأثیرگذاری خود را خواهد داشت.

به هر حال این افتخار وطنی در تاریخ ما ثبت شده و در خاطر جمعی هم هست که در سال ۸۳ جشنواره‌ای فرهنگی- هنری برگزار شد که زیر عنوان «میراث وطن خواهی» به پاسداشت این حماسه می‌پرداخت. زمان دولت اصلاحات بود و سرلوحه، شعار توسعه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی فضل رونق نهادهای مردمی بود و نمود دوباره اعتقاد به نسل جوان. این گونه شد که جولی در ۲۶سالگی دبیر جشنواره میراث وطنی شد که هم‌زمان با رونمایی از بنای مرمت‌شده آرامگاه «شیخ صدرالدین صفوی» در محل وقوع نبرد چالدران، با حضور مقامات لشکری و کشوری و تشییع نمادین شهدای آن حماسه، با استفاده از برخی اشیای مربوط و منتقل شده از موزه «کاخ گلستان» تهران، با نصب مجسمه شیخ صدرالدین به سوی ارتفاعات همراه بود که سپاه عثمانی با آن کثرت و قدرت غالب توپخانه‌ای، از آنجا سرازیر شده بود به خاک میهن. ما چندی قبل از برگزاری این جشنواره هم در آن سوی مرز و به سمت چالدران و درواقع به سمت ایران، مجسمه سلطان سلیم طی مراسمی رسمی نصب شده بود تا شاید نمکی باشد بر زخمی کهنه، اما چرا این جشنواره که در دور اول هنرمندان و شاعرانی چون زنده‌یاد بهمن جالی، عبدالله پاکیده، غلامرضا خیاطان، مهرداد اسکویی و علیرضا طایی با آن همکاری داشتند و قرار بود در دور دوم، به حماسه جنوب و سردارهایی‌بخش خاک کشور از یوغ استعمار، یعنی «عالم‌قلی خان» بپردازد هیچ‌گاه تداوم نیافت، به دلیل آنکه در گام نخست رئیس سازمان میراث فرهنگی تغییر یافت، پس از آن رئیس بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس که پیشقدم شده بود برای حمایت از دور دوم جشنواره تغییر کرده بود، پس از تغییر دولت به تیغ آن تغییر رئیس سازمان میراث فرهنگی و گردشگری پیش آمد که حواشی سیاسی آن، همه چیز را تحت تأثیر قرار داد. بعد هم حوادث سال ۸۸ باعث شد باز هم فرصت برگزاری جشنواره از دست برود. حال مسأله اصلی این نیست که چرا فالان جشنواره نتوانست برگزار شود تا شاید به اهداف ملی، میهنی‌اش دست یابد، مسأله اساسی این است که چرا ساختار و رفتار مدیریت و استراتژی فرهنگی ما اینچنین در تلاطم سیاسی و ناتوانی در سنسچن اولویت‌ها گرفتار می‌آید تا صرفاً بر اولویت‌هایی تأکید بورزد و برای این تأکید ورزیدن هم فعالیت‌های پژوهشی و همایشی مختلف انجام گیرد، اما در عمل کردن به این اولویت‌ها ناتوان باشیم. راستی چرا برای بی‌اثر کردن تأثیر مخرب سریال حریم سلطان در جامعه باید از اهرم‌های غیرهنری بهره بگیریم؟ چرا به جای سلب نمی‌توانیم با ایجادهای خود فرصت‌های عمیق و بلندمدت ایجاد کنیم، راستی چرا «داود میربایقری»‌ها یک «مختارنامه» درباره حماسه چالدران نمی‌سازند؟

در طول این چند وقتی که «شرق» چاپ نمی‌شد، اتفاقی‌های زیادی روی داندک که اکثراً قابل پیش‌بینی بودند. روز جهانی «ایزد» با برنامه‌های کلیشه‌ای همیشگی داستان دلار و افزایش قیمت اجناس وارداتی از جمله دارو و صحبت‌های خانم وزیر بهداشت در مورد ارز مورد نیاز برای دارو که با توجه به اختلاف‌های قبلی قابل پیش‌بینی بود و نتیجه آن هم برکناری خانم وزیر



✦ **حامد محمدی کتگرانی**
✦ رانایزشک

و رئیس دانشگاه علوم پزشکی تهران بود که کلاماً به‌هم مرتبط بودند و از مدت‌ها قبل انتظار آن می‌رفت. حتی فجایع تکان‌دهنده زلزله «وزرقان» و آتش‌سوزی در روستای «شسین‌آباد» هم به‌دلیل حوادث مشابه قبلی، مناسفانه قابل پیش‌بینی و قابل پیشگیری بودند که دومی انجام نشد و دل خیلی‌ها را به‌درد آورد و وزیر آموزش و پرورش مجبور به عذرخواهی شد که نحوه انجام آن چیزی از داغ حادثه کم نکرد و حتی بر آن افزود. داستان آلودگی هوای تهران و شهرهای بزرگ هم

جنگل آسفات

قربانی «ذهن خوانی»

که دیگر تکراری است.

در مدت زمانی که «شرق» چاپ نمی‌شد، نحوه ارتباط بین انسان‌ها در محیط کار و زندگی مانند قبل بود. اما یکی از مهم‌ترین موانع ارتباطی «ذهن خوانی» است که افراد مانند یک روانپزشک با روانشناس مبتدی می‌کوشند تا معنی نهفته و منظور اصلی گوینده حرف یا مجری عمل را بفهمند و کاری به خود حرف یا عمل ندارند. «من که می‌دونم منظورت از این حرف یا از این کار چی بود»، «تو این‌ن کار رو کردی یا این حرف رو

در گذر تاریخ

«عنایت‌الله گلستانه» قدیمی ترین حادثه‌نگار ایران، ۸۵ساله شد

کار آگاه خودجوش مطبوعات

برای این کار برگزید ولی در اینجا او را ماموریت تهیه اخبار سیاسی دادند. گلستانه در اینجا هم روش خود را رها نکرد و به جای کسب خبر از سخنگویان رسمی و نشست پای سخنان دولتمردان و سیاستمداران و نوشتن هر آنچه را که آنان می‌گفتند، به مقامات ردیف دوم و اصحاب اطلاع روی آورد و هر شب به بیش از صد نفر تلفن می‌کرد و به چندین محفل و پاتوق سر می‌زد به‌گونه‌ای که با وجود کمبود خط تلفن در تهران وقت مجبور شدند برایش در تحریریه روزنامه باختر امروز یک تلفن اختصاصی قرار دهند. عمر کار کردن گلستانه در «باختر امروز» چندان طولانی نبود و با انتشار خبری درباره «خلع سلاح عشار» که قرار بود محرمانه بماند مجبور به ترک این روزنامه شد. گلستانه بعداً به روزنامه اطلاعات جذب شد و دلیل عمده آن این بود که اطلاعات درآمد بیشتری داشت و دستمزد نسبتاً قابل‌ملاحظه می‌داد و دیگر گلستانه نیاز به کار کردن در دو روزنامه (صبح و عصر) را نداشت. سردبیر وقت روزنامه اطلاعات هم یک روزنامه‌نگار حرفه‌ای‌تر بود و اهمیت خبر تولیدی را درک می‌کرد و بنابراین به روش گلستانه (کسب خبر دست اول و مراجعه به اهل اطلاع و مردم کوچه و خیابان) ارج می‌نهاد. سردبیر وقت اطلاعات برای گلستانه چند دستیار استخدام کرد زیرا که تعقیب حوادث شهری مخصوصاً موارد جنایی آن و یافتن عکس قاتل و مقتول وقت‌گیر بود و کار یک نفر هم نبود. این‌ن کار به تدریج تکامل یافت و روزنامه اطلاعات و در رقابت با آن روزنامه کیهان در تحریریه‌های خود «هیز حوادث» سی‌تی‌دسک» به وجود آوردند. ایجاد میز اخبار حوادث بعداً باعث شد که اتاق‌های خبر مطبوعات ایران برحسب گروه حوزه‌های خبری و نوع اخبار همانند آمریکا و اروپا دارای میزهای مختلف و دبیر مربوط (دبوتر میز)



۹ دی (۳۰ دسامبر) زادروز «عنایت‌الله گلستانه» قدیمی‌ترین حادثه‌نویس رسانه‌های ایران است که در سال ۱۳۰۶ هجری خورشیدی (۱۹۲۷ میلادی) در تهران به‌دنیا آمد و در ۸۵ سالگی هنوز با ژورنالیسم وداع نگفته است. گلستانه می‌تواند منبع دستاؤل بسیاری از رویدادهای ایران، به‌ویژه در دهه‌های پیش از انقلاب باشد. گلستانه از اواسط دهه ۱۳۲۰ (دهه ۱۹۴۰ میلادی) کار روزنامه‌نگاری را از «کیهان» آغاز کرد. در آن زمان نوشتن اخبار حوادث شهری در مطبوعات ایران به‌گونه‌ای که در غرب صورت می‌گرفت رسم نبود و در مورد چنین اخباری (قتل، خودکشی، سرقت، حوادث آتشدگ، حریق و...) به درج اعلامیه‌های رسمی موسسات مربوطه اکتفا می‌کردند. گلستانه به جای درج این اعلامیه‌ها، از آنها به‌صورت سرخ استفاده می‌کرد و شخصاً همانند یک کارآگاه پلیس در محل به تحقیق می‌پرداخت که این‌ن کار در آن زمان روزنامه‌نگاران شاغل تدریس کردند. با وجود اینکه روش گلستانه برای کسب خبر برزحمت بود، مخاطبان کیهان (روزنامه عصر وقت) را چند برابر کرده بود. با وجود این، دستمزد گلستانه در کیهان دهه ۱۳۲۰ به آن حد نبود که هزینه زندگانی‌اش را تأمین کند. بنابراین، گلستانه که از خانواده معروف «حاج‌اب‌الدوله» (که یک نتیجه تاریخی در بازار تهران به نام) است مجبور شد برای کسب درآمد بیشتر در یک روزنامه صبح نیز به کار پردازد و وی روزنامه معروف «باختر امروز» (به مدیریت دکتر حسین فاطمی) را

«همایون شجریان» در یزد کنسرت می‌دهد

ایستاً: گروه موسیقی «سیاوش» با صدای همایون شجریان در سالن «پاکنژاد» یزد، کنسرت می‌دهد. کنسرت در دو بخش موسیقی تریو تنبور، عود، کنترباس و سازهای کوبه‌ای و در بخش دوم شامل موسیقی ایرانی در آواز اصفهان و دستگاه نوا خواهد بود. خیام، مولوی، حافظ، سعدی و هومن ذکایی از جمله شعرایی هستند که کلام‌شان در این کنسرت با صدای شجریان شنیده می‌شود. این کنسرت «آینه‌ها» نام دارد و سهراب پورناظری (تنبور و کمانچه)، همایون نصیری (سازهای کوبه‌ای)و... در آن هنرنمایی خواهند کرد.

از هر نظری ضرر

گردن کلفت کله‌گنده رفت آب بخوره

افتاد تو حوضک



✦ **پوری‌ا‌عالمی**

لی‌لی‌لی حوضک

جریان انحرافی اومد آب بخوره افتاد تو حوضک

اولی گفت بریم درش بیاریم.

دومی گفت ما که طنبان نداریم بهتره «ال‌سی» باز کنیم. سومی گفت بهتره اصلاً بانک بزнім چون از بانک‌زدن راحت‌تره.

چهارمی گفت نون تو ساخت و سازه مسکن بسازیم.

پنجمی گفت نون تو تنوره، بهتره هتل بسازیم.

ششمی گفت من که می‌رم کالدا بغل «سلین دیون» همسایه‌شون شم.

هفتمی گفت پس اون همسایه‌تون چی؟

هشتمی گفت فیل هوا کنیم.

نهمی گفت پس بریم دوباره جن گیر بیاریم.

دهمی گفت من می‌گم بهتره همون مفاسد اقتصادی کنیم

یازدهمی گفت ماشین و غذای حیوانات وارد کنیم ارز دارو که هست.

دوازدهمی گفت رسانه بزнім خبرگزاری بزнім اگه جواب نداد اس‌ام‌اس سند تو آل هم بزнім.

سیزدهمی گفت بابا جان، یکی از چاله افتاده تو چاه، درست‌ه ما طاب نداریم ولی سنگ که داریم، و سنگ رو انداخت ته چاه و همه هاج و واج موندند این سنگ رو چطوری از چاه دربیارن.

اولی دوباره گفت: کی مونده و کی مونده؟ من من گرین کلفت و کله‌گنده.

نتیجه‌گیری: ای بابا! ما رو چه به لی‌لی‌لی حوضک انحرافی؟ بهتره ما انحرافی‌یازی در نیابوریم و راست شکم‌مان را بگیریم و راه خودمان را برویم که گریبه شاخ‌مان نزنَد.

مخبّر الدوله

نامزدهای دوازدهمین جایزه

«گلشیری» معرفی شدند

● نامزدهای دوره دوازدهم جایزه ادبی «هوشنگ گلشیری» معرفی شدند. در بخش اول رمان شامل (رمان، داستان بلند، مجموعه داستان‌های به‌هم‌پیوسته) «خروج» نوشته‌علیرضا سیف‌الدینی(نشر افراز)، «شکارکبک» نوشته رضازنگی‌آبادی (نشر چشمه)، «قلعه‌مرغی» روزگار هرمی» نوشته سلیمان امین، (نشر هیلا و ققنوس) به عنوان نامزدهای دوازدهمین دوره این جایزه معرفی شده‌اند.
داوران این بخش هم فرشته احمدی، محمد حسینی، کمران سپهریان، غنایت سمیعی، بهناز علی‌پورگسری بوده‌اند. و در بخش مجموعه داستان نیز «مساح بودایی نیوزلندی محبوب من» نوشته آسیه نظام‌شهیدی (نشر هیلا)، «جایی به نام تاماساکو» نوشته فلامک جنیدی (نشر چشمه)، «فارسی بخند» سپیده سیاوشی (انتشارات تر کمان و قطره)، «قبرستان سقف ندارد» نوشته سامان آزادی (نشر چشمه)، «من ژالت نیستم» نوشته محمدطالوعی (نشر آقق) به عنوان نامزدهای این بخش معرفی شده‌اند. کار داری این بخش نیز بر عهده هلن اولیایی‌نیا، شاپور بهیان، علی خدایی، مهدی رتی، فرهاد کشوری بوده است.

